

Research Paper

Geopolitical analysis of the role of Turkish neo-Ottomanism in strengthening and directing Salafi groups in Syria

Javad Fotouhi baneh kohal¹, Abdolhossein Allahkaram^{*2}, Ali Akbar Amini³

1. Department of Political Thought and Iranian Issues, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Political Thought and Iranian Issues, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Department of Political Thought and Iranian Issues, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

PP: 658-669

Use your device to scan and read
the article online



Keywords: *Political developments, Southwest Asia, Salafi Takfiri groups*

Abstract

The geopolitical conditions of Syria are such that the interests of powerful global and regional countries such as Turkey, the West, and Israel on the one hand, and Syria's supporters such as China, Russia, and Iran on the other, are intertwined, and this has complicated the Syrian crisis, especially in the post-ISIS era. Therefore, the main question of the research is what was the security, political, and economic approach of the Turkish government in entering the Syrian crisis and what were its achievements for the national interests of the Turkish government? The hypothesis of the article is that Turkey, by strengthening the ISIS front in the Syrian conflict, initially sought to increase its political, economic, and security influence in Syria. This issue has fundamentally changed the balance of power equations in the region. In this power process, Turkey, due to the characteristics of its power structure and its position in the international system, wants to be present and play a more active role in the issues of the Middle East and Islamic countries.

Citation : Fotouhi baneh kohal, Javad, Allahkaram, Abdolhossein, Amini, Ali Akbar .(2024). **Geopolitical analysis of the role of Turkish neo-Ottomanism in strengthening and directing Salafi groups in Syria.** Quarterly Journal of Geography (Regional Planning), 14(54),658-669

DOI:10.22034/jgeoq.2025.561591.4371

* **Corresponding author:** Abdolhossein Allahkaram, **Email:** abd.allahkaram@iau.ac.ir

Copyright © 2024 The Authors. Published by Qeshm Institute. This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

Extended Abstract

Introduction

Given that the Middle East has been of secondary importance to Turkey's foreign policy since World War II, Turkey's approach to the Syrian and Iraqi crises must be examined within the framework of the neo-Ottomanism that dominates the country's foreign policy. Ahmet Davutoglu, a professor of international relations and the architect and designer of this policy, believes that Turkey's foreign policy is unbalanced and that excessive emphasis on relations with Europe and America and looking to the West has distanced the country from the Middle East and North Africa, the boundaries of the Ottoman Empire.

Methodology

Therefore, the main question of the research is: What was the security, political and economic approach of the Turkish government in entering the Syrian crisis and what were its achievements for the national interests of the Turkish government? The hypothesis of the article is that Turkey, by strengthening the ISIS front in the Syrian conflict, initially sought to increase its political, economic and security influence in Syria.

Results and Discussion

The technique and method that we have chosen in this research, based on its

conceptual framework, for collecting data is the "library" and "documentary" method. Since in this research method, the drawing of the objectives, nature, and problem of the research serves as a beacon that leads to a purposeful, focused, and concentrated study in this direction, an attempt has been made to

Conclusion

The theoretical framework in question, which is in line with the research topic, was used. It is obvious that in the preference and priority of using documents (both written and non-written) in order to obtain precise and solid results, first-hand and direct sources (both Persian, English and Arabic) that have a higher degree of "authenticity", "credibility", "representation" and "meaning" comprise the main body of the research and have a priority position compared to second-hand documents and so on.

References

1. Onar, Nora (2009), "Neo Ottomanism, Historical Legacies and Turkish Foreign Policy", Center for Economics and Foreign Policy Studies.
2. Yavuz, Hakan (2007), "Turkish Identity and Foreign Policy in Flux: the Rise of NeoOttomanism", Critical Middle East Studies, Volume 7, Issue 2.



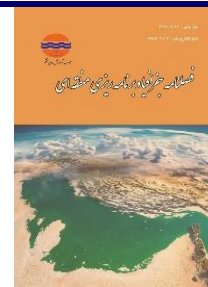
انجمن ژئوپلیتیک ایران

فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)

دوره ۱۴، شماره ۵۴، بهار ۱۴۰۳

شاپا چاپی: ۶۴۶۲-۲۲۲۸ شاپا الکترونیکی: ۲۱۱۲-۲۷۸۳

Journal Homepage: <https://www.jgeoqeshm.ir/>




مقاله پژوهشی

تحلیل ژئوپلیتیک نقش نوعثمان‌گرایی ترکیه در تقویت و جهت‌دهی گروه‌های سلفی در سوریه

جواد فتوحی بنه کهل - گروه علوم سیاسی، اندیشه‌های سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

عبدالحسین الله کرم* - گروه علوم سیاسی، اندیشه‌های سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علی اکبر امینی - گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>شرایط جغرافیای سیاسی سوریه به گونه‌ای است که منافع کشورهای قدرتمند جهانی و منطقه‌ای همچون ترکیه و غرب و اسرائیل از یک سو و حامیان سوریه همچون چین، روسیه و ایران از سوی دیگر در آن گره خورده است و این موضوع بحران سوریه را بویژه در دوران پساداعش با پیچیدگی‌هایی روبرو کرده است. بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که رویکرد امنیتی و سیاسی و اقتصادی دولت ترکیه در ورود به بحران سوریه و دستاوردهای آن برای منافع ملی دولت ترکیه چه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که ترکیه با تقویت جبهه داعش در مناقشه سوریه در ابتدای امر به دنبال افزایش نفوذ سیاسی-اقتصادی-امنیتی خود در سوریه بوده است. این مسئله توازن معادلات قدرت در منطقه را دچار دگرگونی‌های اساسی کرده است. در این فرایند قدرت، ترکیه به دلیل ویژگی‌های ساخت قدرت خود و جایگاهی که در نظام بین‌الملل دارد، خواهان حضور و ایفای نقش فعال تری در مسایل منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی است.</p>	<p>شماره صفحات: ۶۵۸-۶۶۹</p> <p>از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید</p>  <p>واژه‌های کلیدی: تحولات سیاسی، جنوب غرب آسیا، گروه‌های سلفی تکفیری</p>

استناد: فتوحی بنه کهل، جواد، الله کرم، عبدالحسین، امینی، علی اکبر. (۱۴۰۳)، تحلیل ژئوپلیتیک نقش نوعثمان‌گرایی ترکیه در تقویت و جهت‌دهی گروه‌های سلفی در سوریه. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۱۴(۵۴)، ۶۶۹-۶۵۸

DOI:10.22034/jgeoq.2025.561591.4371

مقدمه

با توجه به اینکه پس از جنگ جهانی دوم، برای سیاست خارجی ترکیه، خاورمیانه در درجه دوم اهمیت بوده است، رویکرد ترکیه در قبال بحران سوریه و عراق را بایستی در چارچوب نو عثمانی‌گرایی حاکم بر سیاست خارجی این کشور مورد بررسی قرار داد. احمد داود اوغلو، استاد روابط بین‌الملل و معمار و طراح این سیاست، بر آن است که سیاست خارجی ترکیه نامتعادل بوده و تأکید بیش از حد به روابط با اروپا و آمریکا و نگاه به غرب، این کشور را از خاورمیانه و شمال آفریقا یعنی محدوده امپراتوری عثمانی دور کرده است. از نظر وی، ترکیه دارای شاخص‌های هویتی متکثر است و باید سیاست‌های خود را بر اساس این هویت متنوع تنظیم کند. بر این اساس، ترکیه باید با خاورمیانه، قفقاز، اروپا و بالکان تعامل سازنده داشته باشد، زیرا جهت‌گیری به یک سمت، نوعی عدم توازن در سیاست خارجی ترکیه به وجود می‌آورد. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۰-۲۳۹) از این جهت چون ترکیه به همه این مناطق تعلق دارد، پس می‌تواند عهده دار نقش رهبری در این مناطق باشد یا به عبارتی، به «قدرت مرکزی» این مناطق تبدیل شود و از نظر بین‌المللی اهمیت استراتژیک کسب کند. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۴) به این ترتیب، اوغلو خواستار برقراری تعادل در ارتباط ترکیه با شرق و غرب است. خطوط اساسی این سیاست که در کتاب «عمق استراتژیک» داود اوغلو ترسیم شده و به «دکترین نو عثمانی‌گری» مشهور شده است، عبارتند از:

۱- ترکیه باید نقش پررنگ فعال و متناسب با گذشته پرشکوه و عمق استراتژیک خود ایفا کند؛ ۲- برای اجرای آن باید روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند؛ زیرا از دیدگاه اوغلو، ترکیه با همه مناطق یاد شده دارای روابط تاریخی و فرهنگی است. ۳- نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای مذکور باشند؛ ۴- اقتصاد ترکیه بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است؛ ۵- ترکیه باید در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایفاگر نقش مهمی باشد؛ ۶- با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه، نیاز به مداخله قدرت‌های خارجی را از بین برد؛ ۷- به جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کند؛ به ویژه کشورهایی که زمانی در قلمرو امپراتوری عثمانی بوده‌اند. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۱).

به اعتقاد داود اوغلو، ترکیه برای موفقیت در این زمینه باید بتواند بر مسائل و مشکلات داخلی فائق آید و همچنین روابط خود با همسایگانش را بهبود بخشد. در ارتباط با مورد اخیر، اوغلو بر آن است که ترکیه تاکنون هزینه‌های زیادی را در درگیری‌های بی‌پایان با همسایگان صرف کرده است. از این رو، این کشور ابتدا باید اختلافات خود را با همسایگان حل و فصل کند. به این ترتیب، بعد مهم استراتژی داود اوغلو یعنی «به صفر رساندن تنش‌ها (مشکلات) با همسایگان» به اجرا در می‌آید. (صولت، ۱۳۹۲: ۱۳۱) در این راستا، ترکیه به از سرگیری روابط با سوریه پرداخت. بنابراین، در ابتدا دو کشور تصمیم به تشکیل شورای عالی همکاری‌های استراتژیک گرفتند و همچنین لزوم صدور ویزا برای مسافرت اتباع دو کشور به یکدیگر را لغو کردند. بشار اسد در ژانویه ۲۰۰۴ به آنکارا سفر کرد و اردوغان نیز در همین سال به دمشق سفر کرد. اردوغان به هنگام بازدید از سوریه، آغاز فصل جدیدی از روابط دو کشور را نوید داد و برای اثبات حسن نیت خود اعلام کرد که سوریه از این پس می‌تواند به میزان بیشتری از آب رودخانه فرات استفاده کند. در مراحل بعدی، دولت ترکیه حتی درصدد میانجیگری میان سوریه و اسرائیل برآمد... با شروع تحولات اخیر سوریه نیز، ترکیه در ابتدا سیاستی میانجی‌گرا نه در پیش گرفت و با حمایت از انجام اصلاحات در سوریه و حتی توصیه به بشار اسد برای انجام اصلاحات به منظور به دست گرفتن اوضاع، طرفین را به خویشتن‌داری و مامشات دعوت کرد. با این حال، اندکی بعد ترکیه تحولات سوریه را غیر انسانی خواند و از بشار اسد خواست تا قدرت را رها کند. علاوه بر این، با اتخاذ موضعی تهاجمی و فعال، چندین نشست مخالفان سوری را میزبانی و در آوریل ۲۰۱۲ دومین اجلاس دوستان سوریه را در استانبول برگزار کرد. ترکیه در راستای سیاست جدید خود نه تنها به مخالفان دولت سوریه امکان عبور از خاک خود و حمل سلاح را به داخل خاک سوریه داد، بلکه خود نیز تا درگیری

نظامی با سوریه پیش رفت. (مسعودنیا، فروغی، چلمقانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳-۹۵) در این زمان، ترکیه با ناموفق ارزیابی کردن سیاست به صفر رساندن تنش‌ها با همسایگان به تغییر سیاست در قبال سوریه روی آورد. بدین معنا که از این زمان به بعد، حمایت همه جانبه از رادیکالیسم سلفی در توافق دیپلماسی امنیتی دولت اردوغان قرار گرفت، امری که مغایر با سند امنیت ملی ترکیه بود که در آن بنیادگرایی اسلامی و جدایی طلبی کردی دو محور مهم تهدیدات امنیتی ترکیه تعریف شده است. به گونه‌ای که در گفتمان دیپلماسی امنیتی دولت ترکیه از سال ۲۰۱۱ به بعد، این تئوری پرورش یافت که بازیگری در خاورمیانه بدون داشتن بازوهای مسلح نتیجه ملموس نخواهد داشت. از این رو، حمایت از گروه‌های مسلح تروریستی در دستور کار سیاست خارجی ترکیه قرار گرفت. با این وجود به نظر می‌رسد که در بحران سوریه یک تقسیم کار صورت گرفته که در این میان، نقش دیپلماتیک به ترکیه واگذار شده است. در این زمینه، ترکیه به مأمنی برای مخالفان رژیم حاکم بر سوریه تبدیل شده و هماهنگی میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را دنبال می‌کند. پناه دادن به مخالفان و انتقاد مکرر از رژیم سوریه و همچنین تلاش برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه، که بتواند به عنوان پایگاهی برای سازماندهی مخالفان اسد عمل کند، نقش زیادی در این زمینه دارد. (آزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۴). پس از بحران سوریه و وقایع آن، ترکیه به حمایت قاطع‌تر از گروه‌های تروریستی تکفیری روی آورد. به گونه‌ای که در بحران عراق، با استفاده و حمایت از داعش، در پی ناکارآمدسازی نظم سیاسی شیعه محور در عراق و تقسیم قدرت بین بازیگران و اقلیتهای قومی - مذهبی است. ضمن اینکه در راستای تضعیف جایگاه ج.ا.ایران در عراق نیز در همسویی نسبی با عربستان گام بر می‌دارد. در این خصوص باید گفت که ترکیه از زمان حمله امریکا به عراق مخالف به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و تغییر ساختار سیاسی در عراق بود، زیرا آن را تغییری ژئوپلیتیک تلقی می‌کرد. ترکیه با نوری مالکی هم اختلاف داشت و وقتی طارق الهاشمی از عراق فرار کرد به ترکیه رفت. یعنی ترکیه همیشه تلاش کرده از جامعه اهل سنت در عراق حمایت کند. دلایل این امر تاریخی؛ ژئوپلیتیک و اقتصادی و داخلی است. لذا با حضور داعش در عراق، ترکیه به این امر نگرست که داعش می‌تواند ابزاری برای او باشد تا بخشی از منافع؛ مصالح و مطامع خود را در حوزه عراق به پیش برد. ترکیه در نظر دارد از این امر به عنوان ابزاری برای تغییرات در ساختار عراق بهره گیرد. کمالینکه در سوریه هم این امر مورد نظر ترکیه است. در مجموع باید گفت که ترکیه، درصدد است تا خود را به عنوان الگوی تلفیق دین و دموکراسی معرفی کند و همچنین بتواند هلال اخوانی را در مقابل هلال شیعی به رهبری جمهوری اسلامی ایجاد کند. در این راستا، بایستی شرایط برای به قدرت رسیدن دوستان ترکیه در کشورهای منطقه فراهم شود که این به معنای تضعیف هم پیمانان منطقه‌ای ایران، یعنی عراق و سوریه، است. ترکیه برای تحقق این رویای خود، حمایت از گروه‌های تروریستی را، به منظور سرنگونی دولت شیعی عراق و دولت علوی سوریه، در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داد. به عبارت دیگر، به زعم سیاستمداران ترکیه، بهترین گزینه برای آنها سرنگونی دولت‌های ناهمسو در منطقه است و حال که گروهک‌هایی مانند داعش در این راستا در تلاش هستند، طبیعی است که از حمایت ترکیه برخوردار خواهند بود. بنابراین باید گفت که ترکیه دست یافتن به جایگاه مرکزی در منطقه را تنها در شرایطی ممکن می‌داند که دولت‌هایی مانند دولت سوریه و عراق که جهت گیری‌های سیاست خارجی آنها مغایر با ترکیه است سرنگون شده باشند و در شرایطی که گروهک‌های تروریستی عهده‌دار این مأموریت هستند طبیعی است که ترکیه از آنها حمایت کند. بنابراین اگرچه یکی از مؤلفه‌های دکترین نوعثمانی گری ترکیه، کاهش تنش‌ها با همسایگان بود؛ اما در این خصوص ترکیه با یک چرخش در مواضع، حمایت از گروه‌های مسلح تروریستی را در دستور کار خود قرار داده است. یعنی در اینجا هنوز هم برای دست یافتن به موقعیت مرکزی تلاش می‌شود با این تفاوت که در جهت گیری ترکیه تغییر ایجاد شده است. به عبارت دیگر، حمایت ترکیه از گروه‌های تروریستی را باید اقدامی برای تداوم دکترین نوعثمانی گری در قالب و شکل دیگری ارزیابی کرد. با توجه به آنچه که بیان شد سوال اصلی تحقیق اینگونه بیان می‌شود نوعثمان‌گرایی ترکیه در گروه‌های سلفی سوریه چه جایگاهی دارد؟

چارچوب نظری

به دلیل آنکه موضوع پژوهش نو عثمان‌گری ترکیه و گروه‌های سلفی می‌باشد، الگوی نظری کارآمد که بتواند جوانب مختلف آن را تبیین نماید، نظریه سازهانگاری است. «سازهانگاری مکتبی جدید در روابط بین‌الملل است که آموزه‌های آن از مبانی فلسفی مکتب فرانکفورت و پسامدرنیسم بیرون آمده است. این نظریه برخلاف رفتارگرایان و پوزیتیویست‌ها برای سوژه‌ها بیشتر از ابژه‌ها اهمیت قائل است «چرا که «سوژه‌ها» موجب پدید آمدن فضایی بین‌الذهانی می‌شوند. فضایی که در هنجارها تعریف و قواعد خاص خود را می‌یابد (CHECKEL, 1998: 324)؛ بر اساس همین تعریف میتوان گفت سازهانگاری از نحل‌های فکری مطرح در عرصه فرانظری روابط بین‌الملل است که از تجربه‌گرایی انتقاد میکند و با پستمدرنیسم در مباحث فلسفی و شالوده‌شکنی اشتراکات نظری دارد. (مشیرزاده؛ ۱۳۸۶: ۳۳۳) پیشینه سازهانگاری تا قبل از آنکه در روابط بین‌الملل مطرح گردد به جامعه‌شناسی سیاسی بازمی‌گردد اما از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازهانگاری به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. «سازه‌انگاری بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می‌کند، که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معناسازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. (ZEHFUSS, 2002: 157) «به همین دلیل گفته شده که از نظر سازهانگاری، «دولتها» تنها بازیگران عرصه روابط بین‌الملل نیستند و بازیگرانی همچون سازمانها و نهادهای فراملیتی و سازمانهای دولتی و غیردولتی گروهها و NGO ها نیز به نحو مؤثری دینفوذ هستند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵). سازهانگاران تعریف جدیدی از قدرت و روابط قدرت ارائه میدهند. در این تعریف «یک دولت قدرتمند لزوماً نباید صاحب قدرت اقتصادی و نظامی باشد. بلکه دولت قدرتمند باید توانایی ایجاد آنچنان فضای هنجاری را داشته باشد که بتواند به راحتی به خلق و ایجاد رفتارهای مورد نظرش بپردازد. (CHECKEL, 1997: 472) «به عنوان مثال رویکرد ترکیه جدید اثبات‌کننده این استدلال سازه‌انگارانه است که تلاش دارد به رقم محدودیت قدرت نظامی و سیاسی، با خلق هنجارهای سیاسی و مذهبی در خاورمیانه، خود را بازیگر فعال و قدرتمند در خاورمیانه مطرح سازد. منظور از هنجارهایی که توسط سازهانگاری در روابط بین‌الملل مطرح میشود همان مفهوم ساده «نرم» است و نباید به عنوان یک باید ایدئال و ایدئولوژیک شناخته شود. «نرم یعنی رفتاری که در متن خودش عادی و لازم تلقی شود. مثال ساده برای نرم ساختن در فضای بین‌المللی موجودیت و ساز و کارهای متنوع شورای امنیت است. موجودیتی که چه به لحاظ فلسفه سیاسی و چه به لحاظ حقوقی میتواند مورد سوال و چالش برانگیز باشد، اما با توانایی بالای نرمسازای چنین موجودیت چه بسا فاقد مشروعیتی به عنوان یک منبع صدور مشروعیت عمل میکند.» بنابراین تعریف از هنجار، در تئوری سازهانگاری، هویتها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این «فرایند» است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. (ADLER, 1997: 317) «ترکیه بر اساس سیاست نو عثمانی‌گری به خاورمیانه از ابعاد مختلف به عنوان بهترین دارایی خود می‌نگرد. فرصت‌های اقتصادی موجود در این منطقه که از عقب‌ماندگی شدید رنج می‌برد، جامعه بی‌سواد و بی‌اطلاع از رویدادهای جهانی، نظام‌های فاسد، جنبش‌های متعدد اسلام‌گرای و سکولار در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا این فرصت طلایی را برای ترکیه در حال رشد فراهم ساخته است تا به این منطقه به عنوان مرکز سیاست‌های توسعه‌طلبانه منفعت محور خود بیاندیشد. «ترک‌ها در راستای تبدیل شدن به قدرت مرکزی و حفظ این موقعیت تلاش دارند بحران‌های منطقه خاورمیانه را مدیریت کنند و با همکاری با اسرائیل، عربستان و آمریکا خود را تنها بازیگر مؤثر در این منطقه نشان دهند» (محمدشرفی و دارابی‌منش، ۱۳۹۲: ۱۴۱). این کشور بعد از به قدرت رسیدن اسلام‌گراها با تغییر در مدل سیاست خارجی واقع‌گرایانه دوران کمالیسم به سیاست خارجی عثمانی‌گرایی تلاش دارند از یک رویکرد ساده‌انگارانه در تحولات خاورمیانه پیروی کنند. «ترکیه از آنجایی که نقش قدرت مرکزی منطقه را از آن خود می‌داند، در راستای تقویت این جایگاه حق تصمیم‌گیری و عمل اختیاری در برابر آمریکا و غرب را برای خود محفوظ می‌داند و گاه هم راستا با آمریکا و گاه مخالف خواست آن کشور عمل می‌کند» (اطه‌ری؛ ۱۳۸۹: ۱۰۲). این سیاست، نشانگر آن است که ترکیه تلاش

دارد استقلال عمل خود در خاورمیانه را برای رقبای تاریخی خود در برابر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حفظ نماید. به عنوان مثال در مورد مسأله استقلال کردهای عراق، گرچه با ایران منافع مشترک دارد، اما با استقلال این منطقه بیش از ایران موافق است. حال آنکه در مورد مسأله کردهای سوریه مخالفت شدید خود با استقلال یا حتی خودمختاری آنها را با تهدید نظامی همواره دنبال کرده است. در مجموع پیرامون سیاست نوع‌ثمنی‌گری ترکیه در خاورمیانه می‌توان گفت که سه عامل دین، امنیت و اقتصاد موجبات همکاری بین این کشور و دیگر کشورهای خاورمیانه را تا پیش از شروع بهار عربی در خاورمیانه فراهم می‌ساخت، اما بعد از بهار عربی و بحران سوریه، عراق و شمال آفریقا این عوامل به مسائل اساسی بین ترکیه و کشورهای عرب تبدیل شده‌اند. چرا که برداشت سکولار ترکیه از دین با برداشتهای دینی کشورهای مصر، تونس، عراق و سوریه همخوانی نداشته و همچنین فقدان امنیت به عنوان مهمترین عامل بی‌ثباتی به دلیل دخالت‌های مستقیم ترکیه و عربستان در عراق، سوریه و لیبی موجب پیدا شدن چالش‌های اساسی در سیاست نوع‌ثمنی‌گری در این منطقه شده است.

پرسش اصلی تحقیق

نوع‌ثمنانگرای ترکیه در گروه‌های سلفی سوریه چه جایگاهی دارد؟

سوالات فرعی

اهداف اساسی ترکیه در اتخاذ سیاست همراهی و همکاری با داعش و موضع نرم آن نسبت به اقدامات این گروه چیست؟

مواضع ترکیه در قبال تحولات سیاسی اخیر جنوب غرب آسیا و گروه‌های سلفی تکفیری چیست؟

سوالات یا فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

نوع‌ثمنانگرای ترکیه در گروه‌های سلفی سوریه با نفوذ گسترده‌ای همراه است.

فرضیه‌های فرعی

۱- سیاست‌های اردوغان در بر ساختن تیپ ایده آل نوع‌ثمنانگرای به عنوان الگویی در دو حوزه داخلی و خارجی با تناقض روبه روست و در آینده نه چندان دور رفتار ظرفیت‌های کارای همین جامعه مدنی شده و قدرت را واگذار خواهد کرد.

۲- ترکیه برای احیای هژمونی دوران عثمانی، سیاست خارجی خود را با نگاه به شرق به‌ویژه خاورمیانه - برخلاف اجداد خود که عمده هدف آنها غرب بود - ترسیم کرده است. در این میان تحولات خاورمیانه به‌خصوص بحران سوریه این فرصت را در اختیار ترکیه قرار داد تا بتواند به این راهبرد جامعه عمل بپوشاند.

اهمیت و اهداف تحقیق

برای اولین بار، نوع‌ثمنانگرای در ۱۹۷۴ به صورت آشکار به عنوان اتهامی از سوی یونانی‌ها در جریان تصرف قبرس به ترک‌ها نسبت داده شد و در ادامه، تورگوت اوزال از دیدی تاریخی، تئوریک و اثباتی سعی کرد ظرفیت‌های مثبت این مفهوم را در راستای منافع ترکیه احیا کند، هر چند در عمل راه به جایی نبرد (Onar, ۲۰۰۹: ۲). اما دهه ۲۰۰۰ دوران احیا و ظهور تئوریک و پراتیک نوع‌ثمنانگرای بود؛ جایی که تکنوکرات‌های اسلامی با تفسیری جدید سعی کردند آن را مبنای تحرکی نوین در سیاست داخلی و خارجی ترکیه تبدیل کنند (Yavuz, ۲۰۰۷: ۲). اصطلاح سلفی به طیف وسیعی از جریان‌های اسلامی اهل سنت گفته می‌شود که خواستار بازگشت به روش سلف صالح یعنی پیشوایان اهل سنت در قرن‌های اولیه اسلام هستند. معنای اصطلاحی سلف به آنچه برمی‌گردد که ابن تیمیه، در قرن هفتم هجری ایجاد کرد. ... مهمترین جنبه اجتماعی سلفی آن است که فقط پیروان خود را بر حق می‌داند و

سایر مسلمانان را کافر، گمراه و مشرک محسوب می‌کند. سلفیان جدید نیز به کاربرد گسترده خشونت و اندیشه تکفیری، همچون ابن تیمیه اعتقاد راسخ دارند (بصیری و باقری، ۱۳۹۴: ۱۰۰). اصول فکری - فلسفی افراط‌گرایی در بستر باورهای سلفی رشد کرده است. سردمداران افراط‌گرایی توانسته‌اند، سلفی‌گری را از گرایشی اعتقادی و فقهی به یک ایدئولوژی تمام عیار ستیزه‌جو و طردکننده تبدیل کنند. ایده برآمده از این ایدئولوژی، تأکید دارد که سایر طیف‌های مذهبی در صورت مخالفت با این مبانی، تکفیر می‌شوند. هویت‌یابی افراط‌گرایانه این جریان نیز، برآیند فرهنگ خشونت‌پرور، ارزش‌ها و هنجارهای مبتنی بر قرائت خاص از شریعت، ایدئولوژی و تعاملات بین‌دینی افراط‌گرایان با خود و «دیگران» است که منافع و اهداف افراط‌گرایان، یعنی اتخاذ رفتارهای تقابلی و خشن، بر اساس آن تعریف و اولویت‌بندی می‌شود. این طیف به لحاظ کارکردی، نوع خاصی از مناسبات و ساختارهای سیاسی - فرهنگی را پیگیری می‌کند که نتیجه آن، نفی و رد ساختار کنونی ترتیبات قدرت، سیاست و مذهب در سطح ملی و بین‌المللی است و هر نوع مخالفت و عدم همراهی را با خشونت پاسخ می‌دهد. جهاد علیه کفار (و شیعیان)، اجرای شریعت سلفی و استقرار ساختار سیاسی - مذهبی خلافت تنها بخشی از منظومه فکری - رفتاری آنان است. از این رو باید گفت، تکوین این نوع رفتارهای افراط‌گرایانه برابر نظریه سازه‌انگاری، بیش از هر چیز مخلوق سازه‌های معنایی - هویتی افراط‌گرایان است که با فرهنگ خشونت، ایدئولوژی جهادگر و هویت‌یابی قوام یافته است (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۶۶). سلفی‌های تکفیری، هر صاحب اقتدار سیاسی را که از عقاید آن‌ها پیروی نکند، نامشروع و قتل‌وی را واجب میدانند. تکفیری‌ها برای کشتن دشمنان خدا، تروریسم را مجاز میدانند. از نظر آنها استفاده از خشونت و ترور برای برکناری رهبرانی که بر اساس اسلام حقیقی حکومت نمی‌کنند، یک وظیفه اسلامی است (عباس زاده فتح آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۵). درهم تنیده بودن قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی در ترکیه، که حفظ و گسترش آن برای حاکمان در عرصه داخلی و بین‌المللی، رابطه‌ای تنگاتنگ با ترویج اندیشه‌های سلفی دارد، به تلاش این دولت برای ایجاد گروه‌هایی با مأموریت تبلیغ و گسترش این تفکر منجر شده است. به علت ترکیب آموزه‌های جریان سلفی با برخی مکانیسم‌ها و زمینه‌های سیاسی جهان امروز، این جریان به تدریج به سمت رادیکالیسم توسعه محور تمایل پیدا کرده است. در این راستا می‌توان به داعش اشاره کرد که یک گروه سلفی-تکفیری ستیزه‌جو و افراطی است، زیرا ضمن داشتن دیدگاه‌های تکفیری و مخالفت با هر غیر خودی، دست به سلاح برده و جنبه ستیزه جویانه آن پررنگ‌تر شده است. این موضوع در دیدگاه‌ها و ساختار تشکیلاتی آن نیز مشهود است (عباسی، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۹). ترکیه به عنوان یکی از بازیگران قدرتمند خاورمیانه، از تأثیرگذاری زیادی بر معادلات منطقه‌ای برخوردار هستند. روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲، تحولاتی عمیق در سیاست خارجی ترکیه به وجود آورد. نظریات احمد داوود اگلو با «نوعثمانی‌گرایی» شناخته شده است. (یوسفی و همکاران ۱۴۰۱: ۱۵۷) سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه دچار تحولات اساسی و بنیادین شد. در این دوران برخلاف رویکرد گذشته، نقش آفرینی و بازیگری در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا اساس سیاست خارجی ترکیه را شکل می‌دهد. یکی از نمونه‌های تحول در سیاست خارجی این حزب «نوعثمانیسم» و بازگشت به هویت عثمانی است که در تحولات کشورهای عربی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا نمود یافته است. بنا به اعتقاد اکثر تحلیل‌گران، ترکیه اعتراضات به وجود آمده در خاورمیانه عربی و همچنین تنش‌های سیاسی در سوریه را فرصت مناسبی برای تحقق اهداف کلان خود، برای تبدیل شدن به بازیگری مهم و اثرگذار در معادلات منطقه قلمداد می‌کرد. موضع‌گیری ترکیه در این کشورها با توجه به منافع خود و در نظر گرفتن منافع آمریکا و اروپا بوده است. مواضع ترکیه در قبال حوادث سوریه نسبت به تحولات سایر کشورها متفاوت بود. ترکیه به این دلیل که حکومت بشار اسد در کوتاه مدت سقوط خواهد کرد، به مخالف سرسخت وی تبدیل شده و خواهان برکناری او شد. در این راستا اقدامات مختلفی از جمله حمایت از مخالفان دولت بشار اسد را در دستور کار خود قرار داد. در پی نفوذ داعش در مناطقی از عراق و سوریه، سیاستمداران ترکیه در راستای حمایت از مخالفان دولت سوریه، سعی در بهره‌برداری از این گروه نمودند که منجر به تصور شکل‌گیری نوعی همکاری بین دولت ترکیه و داعش در سطح داخلی و بین‌المللی گردید. اگرچه

مسئولین ترکیه هر نوع همکاری و ارتباط با گروه داعش را انکار می‌کنند، اما حضور آشکار عناصر داعش در جامعه ترکیه مانند ایجاد پایگاه‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی، مداوای مجروحین در بیمارستان‌های دولتی، تشکیل مراکز جذب نیرو، ترانزیت عناصر داعش از مسیر ترکیه به سوریه و ... از جمله مواردی است که جامعه ترکیه شاهد آن بوده و در اظهارات برخی شخصیت‌های سیاسی ترکیه و رسانه‌های مخالف دولت منعکس شده است. همچنین واکنش جدی نشان ندادن ترکیه به اقدامات این گروه در مسئله کوبانی و شرکت نکردن در ائتلاف ضد داعش، این موضوع را که ترکیه روابط حسنه‌ای با داعش دارد، تقویت کرد. با شروع تحرکات در سوریه، موضع ترکیه به موضوعی پیچیده و متغیر تبدیل شده است. ترکیه این تحولات را فرصت مناسبی برای افزایش قدرت منطقه‌ای خود و تسلط بر منطقه می‌دید، تا با استفاده از موقعیت منحصر به فرد و اهمیت استراتژیکی خود، نقش فعال‌تری در معادلات منطقه غرب و جنوب غرب آسیا داشته باشد. ترکیه با ارزیابی اشتباه خود مبنی بر سقوط قریب‌الوقوع اسد، تمام تلاش‌ها و اهداف خود را روی شورش‌ها و مخالفان متمرکز کرد. این کشور از طریق بحران سوریه تلاش کرد قدرت و عظمت امپراتوری عثمانی را بازیابد. به اعتقاد رهبران ترکیه بحران سوریه فرصت مناسبی برای اجرای چنین سیاستی بود. این فرصت شرایط لازم را برای رسیدن به قدرت برتر منطقه‌ای و بازیگری قدرتمند در منطقه مهیا می‌کرد. بنابراین سوریه دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه عربی در نظر گرفته شد. بنابراین مطالعه نوع‌نمائی ترکیه و گروه‌های سلفی در ترکیه از اهمیت خاصی برخوردار است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

بررسی نوع‌نمائی ترکیه و گروه‌های سلفی سوریه

اهداف فرعی

بررسی اهداف اساسی ترکیه در اتخاذ سیاست همراهی و همکاری با داعش و موضع نرم آن نسبت به اقدامات این گروه

بررسی مواضع ترکیه در قبال تحولات سیاسی اخیر جنوب غرب آسیا و گروه‌های سلفی تکفیری.

پیشینه و ادبیات پژوهش

در مورد گروه‌های سلفی مقالات متعددی نوشته شده است که با پژوهش موردنظر متفاوت است و پژوهش موردنظر به بررسی نوع‌نمائی ترکیه و گروه‌های سلفی سوریه می‌پردازد.

یوسفی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود تحت عنوان "تبیین تاثیر نوع‌نمائی گرایي بر روابط ترکیه عربستان از ۲۰۱۱-۲۰۱۹ با تاکید بر قطر" بیان کردند ترکیه و عربستان به عنوان دو بازیگر قدرتمند خاورمیانه، از تأثیرگذاری زیادی بر معادلات منطقه‌ای برخوردار هستند. روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲، تحولاتی عمیق در سیاست خارجی ترکیه به وجود آورد. نظریات احمد داوود اغلو با «نوع‌نمائی گرایي» شناخته شده است. با وقوع خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱، ماهیت روابط دو کشور که از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه همکاری جویانه بوده، به رقابت و منازعه تغییر یافت و ترکیه و عربستان، هرکدام سیاست متفاوت و متضادی را نسبت به قطر در پیش گرفتند. سوال اصلی مقاله عبارت است از اینکه نوع‌نمائی گرایي چگونه بر روابط منطقه‌ای ترکیه و عربستان (با تاکید بر قطر) تأثیرگذار بوده است؟ هدف اصلی مقاله، تبیین چگونگی تأثیر نوع‌نمائی گرایي بر روابط منطقه‌ای ترکیه و عربستان (با تاکید بر قطر) است. روش مورد استفاده در مقاله تحلیلی-توصیفی می‌باشد. نتیجه‌ای که از مقاله حاصل می‌شود: تضاد منافع ترکیه-عربستان به واسطه بهار عربی و گفتمان اخوانی و سلفی، موجب ائتلاف ترکیه و قطر به دلیل حمایت این کشور از ایران در شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۷ شد.

امیدی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود تحت عنوان "عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه" بیان کردند نگاهی کوتاه به اقدامات ترکیه در سال‌های اخیر و به ویژه از سال ۲۰۰۲ تاکنون (پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه)، به روشنی تغییرات در سیاست خارجی ترکیه را نشان می‌دهد. آنکارا بی‌وقفه در مسیر رسیدن به جایگاه شایسته‌تر در جهان اسلام و عرصه روابط بین‌الملل در حرکت است و نمود آن را در گسترش روابط این کشور با کشورهای اسلامی و خاورمیانه می‌توان مشاهده کرد. این سیاست آنکارا «نو عثمانی‌گرایی» نامیده شده است. ترکیه پس از چند دهه گرایش یک‌جانبه به غرب، اکنون راه میانه و سیاست متعادل‌تری را در قبال همسایگان و خاورمیانه در پیش گرفته و متناسب با منافع ملی خود، روابطش را با جهان اسلام و غرب گسترش می‌دهد. ترکیه خواستار قرار گرفتن در رده ۱۰ قدرت نخست جهان تا سال ۲۰۲۳ است و تلاش‌های سال‌های اخیر این کشور برای برقراری رابطه متوازن با قدرت‌های جهانی، قطبیت در جهان اسلام و فیصله مسائل با همسایگان را می‌توان در این راستا تحلیل کرد. مقاله حاضر تلاش دارد تا مؤلفه‌های این تغییر سیاست آنکارا را با توجه به رهیافت سازه‌انگاری تحلیل کند و تأثیر آن را بر خاورمیانه، به ویژه ایران مورد واکاوی قرار دهد. نگارندگان مقاله حاضر بر این باورند که با توجه به پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات ژوئن ۲۰۱۱، سیاست خارجی جدید ترکیه موسوم به نو عثمانی‌گرایی کماکان سرلوحه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های این کشور قرار خواهد داشت.

جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق

در سال‌های اخیر، بحث و بررسی در خصوص قدرت جدیدی به نام ترکیه و ظهور داعش و تأثیر آن بر تحولات منطقه غرب آسیا در محافل علمی و دانشگاهی افزایش یافته است. طبق تحقیقات بسیاری که برای این پژوهش انجام دادیم با تحقیقات مشابه بسیاری برخورد کردیم اما هیچ یک از تحقیقات به طور خاص به نو عثمان‌گرایی ترکیه و گروه‌های سلفی در ترکیه نپرداخته است. لذا تحقیق حاضر به لحاظ موضوعی و اهداف تحقیق دارای جنبه نوآوری می‌باشد.

تعریف مفاهیم و اصلاحات کلیدی

ترکیه

تُرکیه ترکی استانبولی TÜRKİYE: با نام رسمی جمهوری ترکیه ترکی استانبولی TÜRKİYE: CUMHURİYETİ ['TYɾCIJE DʒUM'HU:ɾIJETI] شنیدن، یک کشور فراقاره‌ای است که بخش عمده آن در آناتولی در غرب آسیا قرار دارد و بخش کوچکی از آن در بالکان در اروپای جنوب شرقی واقع شده است. ترکیه از شمال با دریای سیاه، از شمال شرقی با گرجستان، از شرق با ارمنستان، جمهوری آذربایجان، و ایران، از جنوب شرقی با عراق، از جنوب با سوریه و دریای مدیترانه، از غرب با دریای اژه، و از شمال غربی با یونان و بلغارستان مرز مشترک دارد، در حالی که قبرس در سواحل جنوبی این کشور واقع شده است. ترک‌ها اکثریت قریب به اتفاق جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و کردها بزرگ‌ترین اقلیت محسوب می‌شوند. آنکارا پایتخت ترکیه است، در حالی که استانبول بزرگ‌ترین شهر و مرکز مالی آن است.

نو عثمان‌گرایی

نو عثمانی‌گری یا عثمانیسم نو یا نو عثمانیسم به ترکی استانبولی YENİ OSMANLILIK: یک ایدئولوژی سیاسی ترکی است، امپریالیست، و بازپیوندخواهی که در معنای وسیع‌تر، حامی همکاری بیشتر درون مناطق امپراتوری عثمانی سابق است. این واژه را یونانی‌ها پس از اشغال قبرس توسط ترکیه در ۱۹۷۴ ابداع کردند. این واژه برای توصیف سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه از ۲۰۰۲ به نخست‌وزیری رجب طیب اردوغان به کار رفته است. نو عثمانی‌گری، تغییری عمده از سیاست خارجی سنتی ترکیه و ایدئولوژی کمالیسم است. اولین قدم

آن را می‌توان دولت تورگوت اوزال دانست. سیاست خارجی کمالیست به غرب متمایل بود و منجر شد ترکیه از همسایگانش جدا شود. در مقابل، عثمانیسم نو سعی دارد جای پای ترکیه بین همسایگانش را، بدون از دست دادن تصویر بزرگ‌تر، محکم کند. عثمانی در اوج خود بالکان، بیشتر خاورمیانه کنونی و شمال آفریقا و قفقاز را در کنترل داشت. سیاست نوعثمانی درگیر شدن بیشتر ترکیه در این مناطق را تشویق می‌کند.

گروه‌های سلفی

سلفیه یا سلفی‌گری اندیشه و جریانی اجتماعی و مذهبی میان اهل سنت است که راه‌حل مشکلات مسلمانان را پیروی از شیوه سلف (مسلمانان متقدم) می‌داند. سلفیه با استناد به حدیثی از پیامبر اسلام (ص)، سه قرن نخستین اسلامی را بهترین قرون اسلامی تلقی می‌کند و برای کسانی که در این دوره زندگی کرده‌اند، مرجعیت فکری قائل است. به باور سلفیان، قرآن و سنت پیامبر تنها با تفسیر صحابه، تابعین و تابعین معتبر است. آنها عقل را حجت نمی‌دانند و برای فهم آموزه‌های دینی تنها بر آیات قرآن و احادیث تکیه می‌کنند. طبق برداشت سلفیه از اصل توحید، بسیاری از مسلمانان مشرک‌اند. ابن تیمیه، ابن قیم جوزیه، محمد بن عبدالوهاب، محمد شوکانی و رشیدرضا از مهمترین نظریه‌پردازان سلفیه هستند. مشهورترین جریان‌های سلفی معاصر هم عبارت‌اند از: وهابیت، اخوان المسلمین و دیوبندیه. بر پایه اعتقادات سلفیه، گروه‌های جهادی و تندرویی همچون طالبان، القاعده و داعش شکل گرفته که بسیاری از مسلمانان را کافر و جهاد با آنان را وظیفه خود می‌دانند و عده زیادی از مسلمانان شیعه و اهل تسنن را قتل عام کرده‌اند.

روش تحقیق

نوع روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش شناسی توصیفی-تحلیلی بوده و با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، نحوه گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، استفاده از فصلنامه‌ها، مجلات مرتبط پایان نامه‌ها، کتب و جستجو در شبکه اینترنت صورت می‌گیرد.

روش گردآوری اطلاعات (میدانی، کتابخانه‌ای و غیره)

تکنیک و روشی که ما در این پژوهش، مبتنی بر چارچوب مفهومی آن در جهت گردآوری داده‌ها برگزیده‌ایم، روش «کتابخانه‌ای» و «اسنادی» است و از آنجایی که در این روش پژوهشی، ترسیم اهداف، ماهیت و مسئله پژوهش، به مثابه چراغ راهی است که به مطالعه هدفمند، متمرکز و متراکم در این مسیر می‌انجامد، سعی بر آن بوده است که در بادی امر با توجه به واژگان کلیدی که هسته مرکزی تحقیق را شامل است به جستجو و کندوکاوی دقیق در تمامی آثار و اسناد مکتوب و غیر مکتوب اعم از کتب و مقالات، پایان نامه، کتب که به انجای مختلف به اهداف غایی و اصلی پژوهش وابستگی مستقیم و غیرمستقیم دارند، پرداخته شود و یادداشت‌برداری، ترجمه، تلخیص، تدقیق و تحلیل آنها در چارچوب نظری مورد نظر که در تناظر با موضوع پژوهش است مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است که در ترجیح و تقدم استعمال اسناد (اعم از مکتوب و غیر آن) در راستای استحصال نتایج متقن و مستحکم، منابع دست اول و مستقیم (اعم از فارسی، انگلیسی و عربی) که حائز درجه فزونتری از «اصالت»، «اعتبار»، «نمایندگی» و «معنا» می‌باشند، پیکره اصلی پژوهش را شامل شده و از تقدم جایگاهی نسبت به اسناد دست دوم و... برخوردارند.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری داده‌ها «کتابخانه‌ای» و «اسنادی» است.

روش توصیف و تجزیه تحلیل اطلاعات

روش توصیف و تجزیه تحلیل اطلاعات توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

منابع

۱. یوسف، محسن، حاجی مینه، رحمت. (۱۴۰۱). تبیین تأثیر نوعثمانی‌گرایی بر روابط ترکیه عربستان از ۲۰۱۹-۲۰۱۱ با تأکید بر قطر. فصلنامه مطالعات بین‌المللی 19(1), 157-176.
 ۲. بهرامی، سیامک (۱۳۹۶) انحراف از نوعثمانی‌گرایی و کودتا در ترکیه فصلنامه مطالعات راهبردی سال نوزدهم شماره سوم شماره مسلسل ۷۳.
 ۳. هادیان، ناصر". (1382). سازه‌انگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی. "فصلنامه سیاست خارجی. شماره ۶۸.
 ۴. مشیرزاده، حمیرا. (1386). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران، سمت.
 ۵. اطهری، اسدالله. (۱۳۸۹). اصول جدید سیاست خارجی ترکیه. تهران، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
 ۶. داود اوغلو، احمد. (۱۳۹۱). عمق استراتژیک. ترجمه محمدحسین نوحی‌نژاد. تهران، امیرکبیر.
 ۷. محمدشریفی، مجید و دارابیمنش، مریم". (1392). راهبرد کلان آمریکا و چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه. "فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال سوم، شماره ۳.
 ۸. امید، علی، رضایی، فاطمه (۱۳۹۰)، «عثمانی‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره سوم، پاییز، صص ۲۶۷-۲۳۱۶.
 ۹. آزاده، سجاد (۱۳۹۲)، «بازی بزرگ در سوریه: دومینوی بهار عربی یا قربانی بازگشت موازنه قدرت به نظم منطقه‌ای؟»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره اول، بهار، صص ۹۷-۱۲۴.
 ۱۰. مسعودنیا، حسین، فروغی عاطفه، چلمقانی، مریم (۱۳۹۱)، «ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۴، زمستان، صص ۱۱۰-۸۳.
 ۱۱. نیاکویی، سید امیر، بهمنش، حسین (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴، زمستان، صص ۹۷-۱۳۵.
 ۱۲. بصیری، محمدعلی و محسن باقری (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی گفتمان مقاومت اسلامی حزب الله لبنان و گفتمان سلفی تکفیری». فصلنامه روابط فرهنگی، سال ۱، شماره ۱، پاییز، صص ۸۷-۱۱۳.
 ۱۳. عباس‌زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۸۸)، «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴.
 ۱۴. جمالی، جواد (۱۳۹۰)، «مدل تئوریک تحلیل افراط‌گرایی (بار کاربست نظریه سازه‌انگاری)»، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۲.
 ۱۵. عباسی، محمد (۱۳۹۳)، «سنخ‌شناسی داعش»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۲.
16. Onar, Nora (2009), "Neo Ottomanism, Historical Legacies and Turkish Foreign Policy", Center for Economics and Foreign Policy Studies.
17. Yavuz, Hakan (2007), "Turkish Identity and Foreign Policy in Flux: the Rise of NeoOttomanism", Critical Middle East Studies, Volume 7, Issue 2.